

میثاقی غلیظ، بر پایه کتابی حکیم

در میان جوامع بشری و مکتب‌های مختلف مذهبی و فکری، بر عکس قرآن، هر یک به نوعی رابطه موجود میان زنان و مردان، که شرط بقای نسل است را یک امر معمولی و پیش پا افتاده دانسته و آن را چیزی فراتر از یک رابطه گذرا و دنیوی به حساب نیاوردند.



در میان جوامع بشری و مکتب‌های مختلف مذهبی و فکری، بر عکس قرآن، هر یک به نوعی رابطه موجود میان زنان و مردان، که شرط بقای نسل است را یک امر معمولی و پیش پا افتاده دانسته و آن را چیزی فراتر از یک رابطه گذرا و دنیوی به حساب نیاوردند.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، در بیکران‌های جهان آفرینش تنها موجود جاندار که لازمه زنده بودنش حیات اجتماعی است، انسان، اشرف مخلوقات است. انسانی که با ساختاری بسیار پیچیده برای ادامه روند عالی و عادی زندگی و همچنین برآوردن برخی از نیازهای طبیعی و ارادی می‌بایست در کنار دیگر هم‌نوعان خویش قرار گرفته و از پیوستگی‌شان، جامعه به وجود آید.

شاکله خانواده از گذشته تا به امروز

زیباترین و بی‌آلایش‌ترین شکل جامعه انسانی، خانواده بوده که قدیمی‌ترین نهاد تاریخ را به خود اختصاص داده است. خانواده‌ای که با همسران بنیان گذاشته شده و با فرزندان شکل می‌گیرد.

این جمع کوچک، در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم (ع) شأن و منزلتی عظیم داشته و به تقدس و ستایش پروردگار رسیده است؛ چرا که در آن هویتی از وحدت به کثرت می‌رسد که روح خدا در اعماق آن دمیده شده و نمادی از آیه «تبارک الله احسن الخالقین» دیده می‌شود. (1)

ازدواج و تشکیل نهاد خانواده در تمام ادیان و در میان تمام ملت‌های دیگر که به گونه‌های مختلف به فطرت خداجویی رسیده‌اند، یک امر بسیار مقدس محسوب شده و نسبت به مسائل حقوقی و حفظ بنیان آن توجه ویژه و همت والایی تعلق گرفته است. اما در دین مبین اسلام بنا به سفارش پیامبر اکرم (ص): «با ازدواج نصف دین انسان مؤمن کامل می‌گردد.»

و یا اینکه «ما بنی بنا فی السلام احب الله من التزويع؛ هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج بنا نهاده نشده است.» (2)

اما امروزه این نهاد مقدس خانواده، در اثر تغییر نحوه زندگی به زندگی‌های مدرنیته و روی گرداندن از سنن و ارزش‌های گران‌بار گذشته، به ویرانی و فروپاشی غم‌انگیزی به سرعت راه گرفته و چنان این اسب چموش را می‌تازد که جز حوادث تلخ و ناگوار، هیچ چیز دیگری گریبان جوامع انسانی به ویژه بنای گران‌مایه و رفیع خانواده را نگرفته است.

بر این اساس، زندگی انسان‌های امروزی به ویژه در جهان غیر اسلامی چنان نابه‌سامان و فروپاشیده است که شاید هیچ مغز متفکر و اندیشمندی دیگر نتواند راهی برای استواری آن بنای ارزشمند پیدا کند.

دلایل و سبب‌های تزلزل بنیاد خانواده

نخستین علت و مهم‌ترین دلیلی که در سست شدن و از هم گسستن نهاد خانواده اثر سوء و ویران‌کننده داشته و پیوندهای خانوادگی را متزلزل می‌کند، بی‌دینی، ضعف ایمان و سستی اعتقادات خانواده‌های مسلمان است. هر شخصی که در لحظه لحظه زندگی خویش، خدا را در نظر بگیرد و هر پریشانی و سختی را با یاد پروردگارش به آسانی و آسایش تبدیل کند، به طور مسلم خانواده‌اش را با چنگ و دندان نگه داشته و از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد بود تا آن را به سر منزل مقصود برساند؛ چه مرد و چه زن خانواده، هر دو طبق آیات مبارک قرآن، کتاب آسمانی و کلام مقدس پیامبر الهی خویش جز این نیاموخته‌اند. (3)

دیگر علت مهم در گسستن و فروپاشیدن شالوده نهاد خانواده، پدر و مادری هستند که هدف از پیوند و تشکیل خانواده را فراموش کرده و در انجام وظایف خطیر خویش کم‌کار، فروگذار و بی‌توجه شده‌اند.

زن و مردی که دو عنصر اصلی کانون خانواده بوده و دوام و قوام این نهاد مقدس وابسته به وجودشان است. پدر و مادری که نتوانستند یا نخواستند مسئولیت‌های خود را به نحوه احسن انجام دهند و مانع از این بشنوند که پرواز زندگی به سقوط مردگی نرسد! (4)

دیگر عامل مهم در میان عوامل، از میان رفتن و گسستن نهاد خانواده را می‌توان موضوعی دانست که این روزها به صورتی حزن‌انگیز و دردناکی به فراموشی سپرده شده است.

پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها! پایه‌های محکم و استوار هر خانواده که در قدیم و گذشته‌هایی نه چندان دور همه امید و روشنی بخش جمع خانواده بودند. آنانی که در قرآن به اکرام‌شان بسیار سفارش شده است و هدف کلام‌شان و تجربه‌هایشان صبوری، در سختی‌ها و راه‌گشایی بر ناملایمات زندگی بود. آرام بودند و آرامش بخش. اسوه نیکویی زندگی بودند و به نیکی، از گذشته خانواده‌های خود الگو گرفتند. کسانی که به خدا و پیغمبر عشق می‌ورزیدند و اجازه ندادند هیچ گرگی به بره‌رام زندگیشان حمله برده و از سفارشات قرآن و اسلام راه جوئیدند. (5)

آموزه‌های دین‌روشنگر اسلام و همه آیات کریم قرآن، با ادبیات الهی و لسان قدسی خاص خود، بر عملکرد والدین به عنوان دو اصل مهم محافظ تام و تداوم بخش نهاد خانواده بسیار اهتمام و تأکید داشته‌اند.

در میان جوامع بشری و مکتب‌های مختلف مذهبی و فکری، هر یک به نوعی رابطه موجود میان زنان و مردان، که شرط بقای نسل است را یک امر معمولی و پیش پا افتاده دانسته و آن را چیزی فراتر از یک رابطه گذرا و دنیوی به حساب نیاوردند. اما قرآن کریم؛ محبت، عشق و پیوند میان زنان و مردان را جزو آیات الهی می‌داند و نام زیبایی مودت و رحمت را بر آن گذاشته است. (6)

چنانکه در این آیه بیان شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند. (7)

معنای مودت در زبان قرآن دوست داشتن و رحمت، همان رقت قلب و مهربانی است. که هر دو خالص و بی‌غل و غش‌اند.

این منظور به تفسیر خود (رحمت و مرحمت را به معنای رقت و مهربانی کردن) بیان کرده است و تفسیر قابل توجه دیگری در «المفردات فی غریب القرآن» به نوشته راغب آمده است. بدین صورت که: «رحمت، مهربانی و رقتی است که تقاضای احسان به فردی دارد که مورد

رحمت قرار گرفته است. از این سبب گاه تنها مهربانی (ملزوم) و گاه در احسان (لازم) به کار می رود. مانند: «خدا فلانی را رحمت کند.»
«...نیز رحمت را همان عاطفه و مهربانی می داند.»

در این میان، توضیح علامه طباطبایی (ره) کامل تر می نماید: «رحمت، تأثیر و انفعال مخصوصی است که در وقت دیدن محتاج، عارض قلب می شود و شخص را به رفع نیاز و کاستی های محتاج و نیازمند وادار می کند. این معنا به حسب تحلیل، به عطا و فیض برمی گردد و به همین معنا خداوند سبحان، به صفت رحمت توصیف می شود؛ یعنی رحمت در خداوند به معنای عطا و احسان است، نه تأثیر و انفعال قلب؛ زیرا در ذات باری، انفعال نیست.» (8)

در این تفسیر قابل توجه از علامه طباطبایی دو نکته شایان بررسی است: نخست اینکه، آن جناب، خود سر آغاز و منشأ رحمت را بخشی از تعریف و معنای رحمت می داند و در نتیجه، حالت رقت و نرمی قلب را که بر شخص مهربان در جهت رفع نیاز مخاطب عارض می شود، رحمت نامیده است.

و نکته دوم آنکه: در آیه مذکور عشق، محبت، دوستی، مهربانی و رحمت شرط لازم و مشترک میان زن و مرد گفته شده است و هر دوی آن ها چه از صمیم قلب و چه به اعمال ظاهری نیازمند مهرورزی، دلسوزی و دوست داشتن عاشقانه و بی قید و شرط یکدیگر هستند. که این نیاز تنها به ضمانت ازدواج و تشکیل خانواده ای سرشار از عشق و محبت شکل می گیرد.

چنان که تلاش بی شائبه و همکاری متقابل شایسته ای در جهت رفع نیازهای مادی و امرار معاش با یکدیگر داشته و در عین حال از لذت کنارهم بودن، احساس شادکامی و خوشبختی می کنند.

شایستگی ها و بایدهای روابط زن و شوهر در نهاد خانواده

خداوند متعال در سوره مبارکه نساء پیوند و عقد ازدواج میان دو همسر را (میثاق غلیظ) نامیده است: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و چگونه آن [مهر] را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و [از این گذشته] آن ها [هنگام ازدواج] از شما پیمان محکمی گرفته اند.» (9)

و این آیه شریفه خود به تنهایی میزان اهمیت زندگی زناشویی و تشکیل نهاد مقدس خانواده را به خوبی روشن کرده است.

در این بیان نظر مفسر بزرگ «علامه محمد جواد مغنیه» سرشار از لطف است، که در آیات 19 تا 21 سوره مبارکه نساء در ارتباط با نوع و روش عملکردهای همسران در خانواده را تفسیر کرده و به زیبایی ازدواج را مبادله روح با روح گفته است.

وی می گوید: «ازدواج مبادله روح با روح و عقد ازدواج، پیمان رحمت و مودت است، نه پیمان مالک شدن جسم در بدل مال. از همین رهگذر، فقیهان گفته اند عقد ازدواج به عبادت نزدیک تر است تا داد و ستدهای مالی و بر همین مبناست که عقد ازدواج را با نام خدا و بر پایه کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) جاری می کنند.» (10)

خانواده، نخستین نهاد و مکانی است که فرزندان انسان به آن پای گذراده و آداب زندگی را می آموزند. پس فرزندان سالم و صالح در نتیجه چنین عقد الهی و صالحی است که جان می گیرند و در آغوش پدر و مادری رشد می یابند که مطیع امر خدا و رسولش هستند و بر اساس کتاب خدا و سنت آن پیامبر برگزیده اش راه به مقصد می برند.

چه بسایند زندگی هایی که بی نام و یاد خدا و با هزار گناه به وسیله زن ها و شوهرهایی بی ایمان بنیان گذاشته شد و ادامه پیدا کرد تا آنجا که فرزندان متولد شدند. چنین ساختاری در نهاد خانواده تا چه اندازه دوام خواهد داشت؟!

نهاد خانواده ای که با کوچک ترین سختی ها، ناملایمات و ناسازگاری بنیانش فرو پاشیده می شود و فرزندی بی سروسامان و نابرابر با عرف و معیار ارزشی عقلانی جامعه تحویل خواهد داد.

واژه میثاق غلیظ و عهد و پیمان استواری که میان زن و مرد در جهت تشکیل نهاد خانواده اسلامی خدا پسند شکل می گیرد، چنان تقدس و بار ارزشی والایی دارد که در قرآن کریم تعبیری جز عهد میان خدا و انسان ندارد. دلیل غلیظ نامیده شدن آن، وصفی جز ستایش و تحسین از جانب پروردگار عالم ندارد و ستوده تر از اینکه هیچ پیمانی را خداوند بلند مرتبه در میان همه پیمان های ذکر شده در قرآن با این عنوان یاد نکرده است. (11)

دکتر منصوری لاریجانی در تشریح موضوع میثاق غلیظ می گوید: «میثاق غلیظ همان عهد و پیمانی است که در هنگام عقد ازدواج از شوهر می گیرند و این در آیه 21 سوره نساء آمده است: «و اخذن منکم میثاقا غلیظا»

البته انحصار صریح این حق به زن، حکایت از اهمیت مقام زن در اسلام دارد؛ زیرا اسلام می خواهد زن به عنوان زیباترین گوهر خلقت مورد بی توجهی ای مرد قرار نگیرد. از این جهت، با گرفتن پیمان سخت از مرد او را ملتزم به رعایت حقوق زن می کند. امام باقر علیه السلام میثاق غلیظ را پیمان خوش رفتاری و مهربانی مرد نسبت به زن می داند.

گزیده ای از تفسیر راهنما ذیل آیه 223 از سوره بقره:

1. زن، کشتزار بذر انسان است: «نساؤکم حرث لکم»
2. عقیم نبودن، از ویژگی های زن شایسته و کامل است: «نساءکم حرث لکم» از ویژگی های مهم زن، قابلیت بارور شدن او برای بقای نسل است. بنابراین، چنانچه زن نازا باشد، فاقد این ویژگی مهم بوده و طبعاً چنین زنی از جهت طبیعی کامل نخواهد بود.
3. توالد و تناسل، از فلسفه های مهم آمیزش جنسی است: «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم و قدموا لانفسکم» نخست از بین تمامی اهداف آمیزش، تنها به توالد و تناسل (حرث) اشاره می کند و سپس مراد از جمله «و قدموا لانفسکم»، بنابر نظر برخی از مفسران، فرزند است.
4. جواز آمیزش با همسران، به هر صورت و کیفیتی: «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم» بنابراین که «انی» به معنای «کیف» باشد.
5. لزوم دقت در انتخاب همسر و مراعات آداب آمیزش، برای به وجود آمدن فرزندان صالح: «نساءکم حرث لکم... و قدموا لانفسکم» دقت کشاورز در انتخاب زمین مورد کشت و نیز سعی تمام در به وجود آوردن شرایطی برای به ثمر نشاندن محصولی عالی، از وجوه مشابهت بین همسر و کشتزار است که می تواند مورد نظر آیه باشد.
6. لزوم بهره گیری از روابط زناشویی و خانوادگی، در جهت ذخیره و تقدیم اعمال خیر برای آخرت: «فأتوا حرثکم انی شئتم و قدموا لانفسکم» از اینکه در پی سخن از «حرث» بودن زنان، توصیه به پیش فرستادن اعمال خیر شده است استنباط می شود که زندگی از نظر قرآن باید در مسیر رسیدن به بهره های اخروی و انجام اعمال نیک قرار گیرد.
7. هشدار الهی به مردان، نسبت به رعایت احکام الهی در محیط خانواده: «نساؤکم حرث لکم... و اتقوا الله واعلموا انکم ملاقوه» امر به تقوا و توجه دادن انسان ها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی، می تواند هشدار باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

گزیده ای از تفسیر راهنما ذیل آیه 21 از سوره نساء:

1. لزوم پابندی به تعهدات و پیمان ها: «و کیف تأخذونه... و اخذن منکم میثاقا غلیظا»
 2. بازپس گیری مهریه زنان، شکستن پیمان محکمی است که همسران با شوهران خویش بسته اند: «وکیف تأخذونه و قدافضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقا غلیظا»
 3. برانگیختن وجدان انسانی از روش های قرآن برای ایجاد تعهد نسبت به رعایت پیمان های زناشویی است.
 4. مهریه، حقی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی است.
 5. عقد نکاح پیمان استواری است که زن از مرد گرفته است.
 6. زندگی پسندیده با همسر یا آزاد گذاردن وی با رفتار نیک، پیمان زن از مرد به هنگام ازدواج است.
- کانون مقدس خانواده، نهادی است که با محبت و مودت میان پدر و مادر، همچون قرارگاهی می شود که آرامش، آسایش، عشق و مهربانی، سکون و سکوتی خارج از هیاهوی غصه ها و بی کسی ها؛ شاکله وجودی آن خواهند بود. این همه، جز در سایه ایمان، اطاعت و لطف خداوند، توجه و توکل بر ذات باری تعالی ممکن نخواهد بود.
- هرگاه خانواده ای از این عناصر خالی گشت، به سرعت شالوده اش سست بنیان و لغزان شده به نحوی که در سرایشی چهل و بی مهری سقوط خواهد کرد.
- نهاد خانواده و زندگی ها در جوامع سست بنیان غربی با پند گرفتن از آموزه های بی ارزش و نابود گر اندیشمندانی جاهل مانند زیگموند فروید و یافتن عشق هایی خیابانی، که در لحظه، آتش شان خاموش می شود و از هرگونه مهربانی، مودت، رحمت، شفقت و عطوفت ماندگار خالی اند از این نوع خانواده ها هستند. (12)
- وجود رضایت و عشق میان دو طرف ازدواج در هنگام عقد زناشویی، از شرط های مهمی است که هم شارع مقدس اسلام آن را به پیامبرش ابلاغ نموده و هم عرف اجتماعی آن را به اهمیت پذیرفته است. چراکه این زندگی در راستای تشکیل نهاد گران مایه چون خانواده آغاز خواهد شد و هر نوع آفتی آن را به شوره زاری بی حاصل تبدیل کرده که هیچ تازه کلی در آن رشد نخواهد کرد.
- لذا باید زیر بنای نهاد خانواده از سنگ های درخشان و خوش تراش الماس مهربانی و محکم و سخت همچون خارای صبوری و عشق شکل بدهد تا با هر گردبادی در مسیر پست و بالای زندگی از هم گسسته نشود. نهادی که با اکسیر عشق و مودت دو همسر پایدار و ایمن باقی بماند و با خلق و خویی بزرگوارانه و محمدی پسند شان الگویی از برای فرزندان خویش باشند.
- کتاب خدا و سنت رسول الله (ص) و کل آموزه های دین ما هرگونه رفتار و کلام خالی از مهر و عشق و محبت را در خانواده به شدت نهی کرده و آن را ناپسند می پندارد.
- جمیل بن دراج از امام صادق (ص) روایت می کند که فرمودند: «أیما امرأة قالت لزوجها: ما رأیت من وجهک خیراً فقد حبط عملها؛ هر زنی که به شوهرش بگوید: من از تو خیری ندیدم، اعمال نیک او باطل می شود.» (13)**
- این حدیث بسیار قابل توجه و تأمل است و زشتی ناسپاسی و قدر نشناسی همسر را به خوبی نشان می دهد و آنقدر رعایت این امر اهمیت دارد که کوتاهی در آن موجب از بین رفتن و نابودی تمام اعمال خیر و ثواب اندوخته زن به حساب آمده است.**
- اصولا قوام گفتار و شیوایی بیان قرآن در تمام جهات زندگی انسان ها به نیکوترین وجه دیده شده و از هیچ نکته ای فرو گذار نبوده است. این کتاب عزیز همه موضوعات فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، عبادی، تفریحی، اقتصادی و روابط انسانی را مورد بررسی قرار داده و همه آن ها را حول محور نهاد خانواده پراهمیت معرفی می کند. قرآن کریم با ارائه راهکار هایی ارزشمند، مفید و انسان ساز جامعه را به احیا و حفظ مقدس ترین نهاد یعنی خانواده سفارش می کند.
- خانواده سالم و صالح خدا پرست و مسلمان را به ادامه نسل تشویق می کند، تا هرچه بیشتر شاهکار خلقتش هویدا گردد و آماده شود برای ساختن یک جامعه جهانی اسلامی که با حکومت حضرت مهدی موعود (عج) پایدار شده و به نور مطلق دست می یابد.
- جعفریان
9466/703/

منابع:

1. محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج 14، ص 3.
2. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، ص 136.
3. قریشی، نظام خانواده در اسلام، ترجمه لطیف راشدی، ص 133.
4. وسائل الشیعه، ج 14، ص 15.
5. مشکینی، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، ص 19-20.
6. وسائل الشیعه، ج 14، ص 40.
7. آیه 21 سوره مبارکه روم
8. قاموس قرآن، ج 2 ص 74.
9. نساء، آیه 21.
10. ژ. آ. هدفیلد، اخلاق و روان شناسی، ترجمه: علی پریور، ص 163.
11. وسائل الشیعه، ج 14، ص 44.
12. گیدنز آنتونی، چشم انداز خانواده، ترجمه محمدرضا جلایی پور، ماهنامه بازتاب اندیشه
13. وسائل الشیعه، ص 126.